

## مقدمه

نوشتن این کتاب را در ورشو به سال 1966 آغاز کردم؛ در دانشگاه ییل و برکلی ادامه دادم و در استونی بروک تکمیل نمودم. در نشستهای متعدد آن را به بحث گذاشتم و فراوان بابت نکته سنجی و الهام دانشجویانم، مدیون هستم. حتی بیشتر همین منت هم قطاران و دوستانم هستم، آنان که هیچ گاه اظهارنظرهای تند و انتقادی یا تشویق گرمشان را از من دریغ نکردند. مرحوم ایروینک ربینر، دوستی عزیز و صمیمی، همواره دانش تخصصی خالی از لغزش خود را در اختیارم گذاشت. فقدان وی برای من ضایعه‌ای جبران‌ناپذیر است. بسیاری صبحگاهان و شامگاهان را با گفتگو بر سر بخشهای نوشته و نانوشته این کتاب با رویی گُن و رُز زیمباردو گذراندم. کنت کواندر و لیف سیوبرگ دستنوشته‌ام را از نظر گذراندند، و من از آنان سپاسگذارم به این خاطر که مرا یاری کردند تا از اشتباهات فراوانی که در خواندن متون یونانی داشتم برکنار بمانم. اما بیش از همه می‌خواهم از لطف بی‌اندازه برنارد ام. دلبیو. ناکس قدردانی کنم. ایشان قسمت اعظم این کتاب را خواندند، لغزشها و اشتباهات را به من گوشزد کردند و پیشنهادها و توصیه‌های ایشان به من کمک بزرگی بود.

از همان ابتدای طرح کتاب، آن فریدگود به گرمی و با اشتیاق از دستنوشته‌ها مراقبت نمود و با شکیبایی منتظر تکمیل آن ماند. به خاطر کوششهایش در امر ویراستاری سپاسگزارش هستم. تناول *خدایان* اینگونه به شکل نهایی دست یافت.

نخستین و وفادارترین خواننده این کتاب، از ابتدا تا آخرین بخش، پسرخوانده‌ام، کارول برگر، بود. او را چونان دوستی در کنارم داشتم و کمک نمود تا افکار و انگاره‌های من چهارچوب پیدا کند و باعث شد صریح‌تر و دقیق‌تر شود.

مایلم تشکر کنم از شورا و انجمن بنیاد تحقیقات دانشگاه ایالتی نیویورک به خاطر حمایتی که در خلال تابستان 1970 در نگارش قسمتی از این کتاب از من به عمل آوردند.

من این کتاب را به زبان لهستانی نوشتم، اما مشکل است گفتن اینکه چه وقت و کجا به زبان مادری ام انتشار می‌یابد.<sup>1</sup> متن انگلیسی چاپ نخستین و مجاز آن است.

### پان کات

استونی بروک - ژوئن 1972

---

1. خواننده محترم به یقین توجه دارد که لهستان آن زمان به لحاظ سیاسی شدیداً زیر سلطه و نفوذ شوروی قرار داشت. چنانکه در خواهید یافت، لحن بسیاری از مباحث تند است و سرشت فریادی خشمگین و اعتراض آمیز دارد.